

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق

عنوان:

**بررسی سندی و دلالتی روایات موارد خمس از
کتاب جامع الاحادیث الشیعه با تأکید بر اختصاص
خمس به حاکم اسلامی**

استاد راهنما:

دکتر عبدالله امیدی فرد

استاد مشاور:

دکتر محمد جواد حیدری خراسانی

نگارنده:

رضا رحیمی دهنسوری

تقدیم به :

تمامی پویندگان طریقت و علم و معرفت

و

پدر و مادرم

تشکر و قدردانی

«حمد و سپاس خدایی را که توفیق کسب دانش و معرفت را به ما عطا فرمود»

بر خود لازم می دانم که از تمامی اساتید بزرگوار، به ویژه اساتید دوره کارشناسی ارشد که در طول سالیان گذشته مرا در تحصیل علم و معرفت و فضائل اخلاقی یاری نموده اند تشکر و قدر دانی کنم.

از استاد گرامی و بزرگوار جناب آقای دکتر عبدالله امیدی فرد که راهنمایی اینجانب را در انجام تحقیق و پژوهش و نگارش پایان نامه تقبل فرموده و با راهنمایی های ارزشمند و سودمندان اینجانب را مورد لطف خویش قرار دادند تشکر و سپاسگزاری ویژه دارم.

از استاد عزیز دکتر محمد جواد حیدری خراسانی که مشاوره ی اینجانب را عهده دار شده اند و راهنمایی های ارزشمندی ارائه دادند کمال تشکر را دارم.

چکیده

تبیین موارد خمس به عنوان یک واجب مالی در شریعت اسلامی و نیز تعیین فرد صالح برای تقسیم آن به جهت اینکه از جمله ی منابع مهم اقتصادی در اسلام است، بسیار اهمیت دارد. روایات کتاب جامع الاحادیث الشیعه در این زمینه با استناد به دیدگاه فقها و محدثان غالباً دارای دلالت صریح و سند صحیح بوده و بر تعلق خمس به غنیمت، معدن، گنج، سرمایه، مال مخلوط به حرام و آنچه از سلطان ظالم گرفته شده، دلالت دارند. تقسیم خمس در زمان غیبت به ویژه در زمان استقرار حکومت اسلامی در نظر برخی از فقها از جمله امام خمینی رحمه الله بر خلاف دیدگاه مشهور به دلیل اینکه خمس را حق واحد و بسیط می دانند از اختیارات حاکم اسلامی می باشد.

کلید واژه: خمس، روایات، جامع الاحادیث الشیعه، حاکم اسلامی.

فهرست مطالب

!!عنوان !

!!!!!! صفحه !

مقدمه	۱
اهمیت موضوع	۴
پرسش‌های پژوهش	۴
فرضیه‌ها	۴
سابقه و پیشینه تحقیق	۴
الف: پایان‌نامه‌ها:	۵
ب: مقاله‌ها	۵
روش تحقیق	۶
فصل اول: کلیات	۸
۱-۱. بخش اول: اصطلاحات فقهی	۸
۱-۱-۱. خمس	۸
۱-۱-۲. انفال	۹
۱-۱-۳. غنیمت	۱۱
۱-۱-۴. معدن	۱۱
۱-۱-۵. کنز	۱۲

- ۱-۱-۶. غوص ۱۳
- ۱-۱-۷. مؤونه ۱۵
- ۱-۱-۸. حاکم ۱۷
- ۱-۱-۱. حدیث ۱۹
- ۱-۱-۲. اصطلاحات ناظر به سند ۲۰
- ۱-۲-۳. اصطلاحات ناظر به متن ۲۴
- ۱-۲-۴. الفاظ جرح و تعدیل ۲۷
- فصل دوم: بررسی سندی و دلالتی روایات ۳۲
- ۱-۱-۲. غنیمت ۳۳
- ۱-۱-۲. مال ناصب ۴۲
- ۱-۲-۳. معدن ۴۶
- ۱-۲-۴. گنج ۵۶
- ۱-۲-۵. فرو رفتن در آب ۶۳
- ۱-۲-۶. خریدن زمین توسط کافر ذمی از مسلمان ۶۵
- ۱-۲-۷. حلال مخلوط با حرام ۶۷
- ۱-۲-۸. گرفتن مالی از سلطان ۷۱

۷۲	۹-۱-۲. مازاد از مخارج سال خود و عائله‌اش
۹۱	فصل سوم: اختصاص خمس به حاکم اسلامی
۹۱	۱-۳. مصرف خمس از دیدگاه امامیه
۹۱	۱-۱-۳. دیدگاه مشهور: تقسیم خمس
۹۷	۲-۱-۳. دیدگاه غیرمشهور: اختصاص خمس به حاکم اسلامی
۱۱۲	۲-۳. مصرف خمس از دیدگاه اهل سنت
۱۱۲	۱-۲-۳. دیدگاه مشهور: تقسیم خمس
۱۱۳	۲-۲-۳. دیدگاه غیرمشهور: عدم تقسیم خمس
۱۱۳	خاتمه
۱۱۴	نتیجه گیری
۱۱۵	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

وجه التزام انسان به قوانین شرعی، حق الطاعه الهی است که حقی ذاتی برای خدا بر انسان است و براساس این حق، انسان حتی در تنهاترین حالت، مسئول رعایت احکام شرعی است و هرگز نمی‌تواند خود را از این مسئولیت، خواه در زندگی شخصی یا زندگی اجتماعی مبرا سازد. بنابراین مبنای قانونمندی فقهی مسلمانان، حق ذاتی خداوند نسبت به انسان است که پس از معرفت عقل نظری از جهان آفرینش و آفریدگار، توسط عقل عملی درک می‌شود.

عینیت یافتن رعایت حق ذاتی خداوند نسبت به انسان با تبلیغ انبیا و اولیای الهی و بیان گزاره‌ها به نحو قضیه حقیقه از مفاهیم اعتباری به تکلیف انسان به فعل یا ترک فعل آن‌ها انجام می‌شود و انسان مسلمان منبع فرامین الهی را دو منبع اصلی کتاب خداوند و سنت رسول اسلام (ص) می‌داند و روایات صحابه پارسای حضرت رسول (ص) و روایت‌های فرزندان معصوم آن رسول گرامی کاشف و بیانگر سنت و روش حضرت رسول (ص) است که برای همه مسلمانان به حکم قرآن، اسوه و الگوست.

بدیهی است قانونمندی شخصی و اجتماعی انسان طبق قانونی است که تأیید شده اوست. قوانین الزام‌آور انسان ممکن است به آموزه‌های وحی الهی یا تنها به داده‌های عرفی و اعتبارهای انسانی بازگردد و هیچ توجهی به اراده خداوند و آموزه‌های وحی نشود؛ بنابراین قوانین به دو منبع دینی یا غیردینی قابل ارجاع است. متدینین و کسانی که آن را منبع استنباط قوانین می‌دانند، لازم است به طور مشخص، مذهبی خاص را معتقد شوند و آموزه‌های آن را به‌عنوان منبع وضع و استنباط قوانین قرار دهند.

دین اسلام به‌عنوان آخرین دین الهی طی بیست‌وسه سال نبوت پیامبر اسلام به مردم ابلاغ شد و بعد از ارتحال پیامبر اسلام طی دویست و پنجاه سال (۱۰- ۲۶۰ ق) توسط اولیای الهی فرزندان و ذریه معصوم رسول خدا (ص) تبیین و توسعه یافت. مفاهیم دین اسلام از طریق بیان رسول اکرم (ص) و سنت ایشان در بیست‌وسه سال شریعت به‌طور آشکار ابلاغ شد، اما اینکه چگونه آن مفاهیم پس از ارتحال پیامبر اسلام در سال دهم هجری به بعد تا عصر ما، توسعه و استمرار یافت یا اینکه چه کسانی یا چه نهادی به چه دلیلی صلاحیت یافتند تا وصی و جانشین و نائب مناسب پیامبر اسلام (ص) در امر ریاست حکومت (قوه مجریه) و تشریح (قوه مقننه) و قضاء (قوه قضائیه) جهان اسلام شوند، بحثی جدا و مفصل را اقتضاء دارد که از حوصله این مقدمه خارج است ولی

در مکتب امامیه چنین امر خطیری مطابق روایات شیعه و سنی و امارات تاریخی به جانشینان معصوم دوازده گانه که ذریه رسول خدا(ص) هستند، واگذار شده است.

فقه که در لغت به معنای اندیشیدن است، از آنجا مطرح شده است که مسلمانان برای فهم و چگونگی زیستن نیاز داشتند در روایات وارده از سوی پیامبر اسلام(ص) و جانشینان معصومش در طول دو سده و شصت سال حضور آنها اندیشه کنند و با این ابزار اصلی یعنی ابتدا بیان شرعی و سپس تحلیل عقلی ربط بین مفاهیم شرعی را از میان روایات به جای مانده از معصومین(ع) اجتهاد و استنباط کنند. آنجا که نص صریح وجود داشت، تنها استظهار از بیان شرعی برای درک حکم الهی کافی بود ولی اکنون در عصر غیبت با توجه به تحول تاریخ بشریت و فقدان نصوص مرتبط با مسائل جدید، ضرورت اندیشه بیشتر در متون روایی و استنباط احکام مسائل و موضوعات جدید به روش فقیهان بزرگ سلف شیعه ضرورت انکارناپذیر پیدا کرده است و در این بین، حفظ میراث گرانبهای آسمانی کتاب خدا و سنت رسول خدا(ص) برای جلوگیری از تفرقه و لغزش امت اسلام ضرورت پیدا می کند تا مسلمانان با اندیشه عمیق در کتاب و روایات معصومین(ع) وحدت امت اسلام را حفظ کنند.

اسلام دینی است که از فهم و معرفت حاصل می شود و هرگز دانش و پذیرش، اگرچه بردار نیست و معرفت دینی نیاز به مطالعه و خواندن آنچه دارد که از پیام آور دین آسمانی و جانشینان واقعی اش به عنوان گزاره های دین اسلام برای چگونگی زیستن بیان شده است و نکته مهمتر، فهم صحیح از اشتباه است؛ چرا که جاعلان اخبار و بدخواهان دین اسلام به دروغ روایاتی را جعل کردند یا اینکه شرائط را به گونه ای پیش آوردند که حقیقت دین مکتوم بماند و تقیه رمز بقای میراث ماندگار باشد و این خسارت سنگین در سایه حکومت های ظالم و ستمگر اموی و عباسی به وقوع پیوست و به همین دلیل به علم روایت شناسی نیاز پیدا شد. از سوی دیگر، تحلیل های عقلی و زبان شناسی در فهم روایات، موجب نیاز به علم اصول به عنوان منطق فقه شد. بنابراین در طول تاریخ، معارف اسلام ابتدا به آیات قرآن و روایات معصومین و سپس به علوم مرتبط با آنها برای فهم بهتر و فقیه شدن روز به روز نیاز بیشتری پیدا کرد و علمی چون فقه، رجال، درایه، اصول و ... برای فهم گزاره های معصومین، در مواد درسی اسلام شناسی قرار گرفت و محقق بدون داشتن این علوم در حد نیاز مربوطه نمی تواند فهم درستی از معارف اسلام داشته باشد.

خمس در کنار فیه و انفال یکی از منابع مالی و درآمدهای عمومی مسلمین و پشتوانه ای دولت اسلامی و یکی از واجباتی است که در اسلام بر مسلمانان فرض شده و بر وجوب آن تاکید بسیار شده است. آیه چهل و یکم سوره انفال موسوم به آیه خمس « وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ »^۱ و بدانید هر چیزی را به غنمیت گرفتید یک پنجم آن برای خدا و پیامبر (صلی الله علیه و اله) و برای خویشاوندان و یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است.» بر این امر تصریح دارد. در کنار این آیه روایاتی از معصومین (علیهم السلام) صادر شده و در کتب روایی جمع آوری شده است، که موید این مطلب هستند. در میان این کتب، کتاب های وسائل الشیعه شیخ حر عاملی و جامع الاحادیث الشیعه آیت الله بروجردی روایات را به صورت منظم و با دسته بندی مناسب تری در کتاب خود آورده اند که می توان ادعا کرد که محقق با رجوع به این کتاب ها از مراجعه به سایر کتب بی نیاز می شود. در این تحقیق روایاتی که در کتاب جامع احادیث الشیعه آمده اند مورد بررسی قرار می گیرند. که در بخش سوم از فصل اول این پایان نامه دلیل انتخاب و ویژگی های برتر این کتاب نسبت به کتاب وسائل الشیعه بیان شده است.

وجود روایات صحیح و غیر آن در این کتاب ها، پژوهش و بررسی می طلبد تا این موارد مورد بررسی سندی قرار گیرند و صحیح از غیر آن مشخص شود و نیز با وجود دسته بندی مرتب و باب بندی منظم احادیث، به خاطر برداشت های مختلف از روایات، پژوهشی دیگر از جهت دلالت می طلبد تا موضوع و دلالت های آنها روشن تر و گویاتر شود.

پیرو این مطالب در این تحقیق، مستقیماً روایات موارد خمس بررسی شده است تا ضمن فهم صحیح مضامین آنها و بررسی اسنادشان بتوانیم به صورت کاملاً علمی موارد وجوب خمس که یک منبع درآمد مالی و از جمله مالیات های رسمی که به منزله ستون فقرات اقتصاد اسلامی به شمار می رود را کاوش کرده ایم.

۱- انفال، ۸، آیه ای ۴۱.

اهمیت موضوع

موضوع این تحقیق از دو نظر دارای اهمیت است:

اول: در پرتو این موضوع به بررسی موارد خمس و اختصاص آن به حاکم اسلامی پرداخته می‌شود و به این دلیل که خمس یکی از مهمترین منابع مالی مسلمین و بالاخص حکومت اسلامی است، بسیار اهمیت دارد.

دوم: علاوه بر اینکه این تحقیق مستقلاً دارای اهمیت است، از این نظر که موجب دست‌یابی به منابع اولیه و پی‌بردن به نحوه استنباط احکام می‌شود، نیز مفید است.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پاسخ داده شده در این تحقیق در دو قسمت اصلی و فرعی از قرار زیر می‌باشد:

الف: سوال اصلی:

سند ودلالت روایات موارد خمس در چه حدی می‌باشد؟

الف: سوال فرعی:

تقسیم خمس از وظایف و اختیارات کیست؟

فرضیه‌ها

الف: سند روایات ودلالتشان دارای اعتبار بالایی است.

ب: خمس در زمان غیبت به حاکم اختصاص دارد.

سابقه و پیشینه تحقیق

دربارۀ بررسی فقهی خمس کتاب‌های زیادی وجود دارد که ذکر آنها از حوصله این مقدمه خارج است. همچنین تحقیق‌های زیادی در غالب پایان‌نامه و مقاله نوشته شده است که برخی را متذکر می‌شویم ولی آنچه این تحقیق را از آن همه کتاب و پایان‌نامه و مقاله متمایز می‌کند محوریت روایات و بررسی تک‌تک آنها از حیث سند و دلالت در اینجا است که به خواننده این توانایی را می‌دهد که با مراجعه به آن و مطالعه روایات هر قسمت بتواند از دیدگاه فقها اطلاع یافته و بهترین نظریه را برگزیند.

الف: پایان نامه ها:

۱. بررسی تطبیقی اصول، مبانی و روش‌های تأمین درآمدهای دولت در نظام اقتصاد سرمایه‌داری و اسلام، / علی باقری؛ به راهنمایی: مسعود درخشان. / پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۷۱. در این تحقیق به اصول و راهکارهای تأمین درآمدهای دولت در دو نظام متفاوت سرمایه‌داری و اسلام پرداخته شده و از خمس به عنوان یکی از منابع اسلامی نام برده شده اما به بررسی روایات از جهت سند و دلالت توجه نشده است.

۲. بررسی مالیه عمومی در نظام اقتصاد اسلامی، / احمد اسدزاده؛ به راهنمایی: مسعود درخشان. / پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۷۰. در این تحقیق به بررسی مالیه عمومی در نظام اقتصاد اسلامی پرداخته شده و نگارنده در عین حال که به بررسی سندی و دلالتی روایات خمس به جهت خارج بودن از موضوع پرداخته به صورت کامل هم به تمام آراء در زمینه اختصاص خمس به حاکم اسلامی توجه ننموده است.

۳. ملاحظاتی پیرامون ابزارها و سیاستهای توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام، / محمدعلی مولائی؛ به راهنمایی: محمدابراهیم جناتی. / پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۱. در این تحقیق نیز نگارنده بیشتر به ابزارهای توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام و خمس به عنوان یک منبع مالی پرداخته و به بررسی روایات و اختصاص خمس به حاکم اسلامی پرداخته است.

۴. بررسی فقهی حقوقی مالیات حکومتی در اسلام، / اعظم امینی؛ به راهنمایی: سید علی اصغر موسوی رکنی؛ استاد مشاور: حمیده عبداللهی. / پایان‌نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۸۲. نگارنده در این تحقیق به مبانی فقهی و حقوقی مالیات حکومتی پرداخته و علاوه بر اینکه به بررسی سندی و دلالتی روایات پرداخته است اقوال فقها را به صورت کامل و کافی بیان ننموده است.

ب: مقاله ها

۱. رضایی مجید، «مالیات‌های حکومتی مشروعیت یا عدم مشروعیت»، نامه مفید، ش ۳۵، سال ۱۳۸۲. در این مقاله نگارنده به ده راه مختلف برای اثبات مشروعیت مالیات‌های حکومتی پرداخته و به

کمبود مقدار خمس وزکات و زیادی مخارج دولت پرداخته است و از این منظر که خمس یک واجب مالی است که دارای مبنایی متفاوت از مالیات های حکومتی است پرداخته است.

۲. احمدی حبیب الله، «نگاهی به دیدگاه مشهور در هزینه کردن خمس»، **فقه**، ش ۱۱ و ۱۲. در این مقاله نگارنده گرچه به اقوال فقها در مورد نحوه تقسیم خمس پرداخته است ولی به مبنای دیدگاه غیر مشهور (اختصاص خمس به حاکم اسلامی) اشاره ننموده است.

۳. عابدی فداحسین، «بررسی خمس از دیدگاه شیعه و اهل سنت»، **طلوع**، سال هفتم، ش ۲۵، بهار ۱۳۷۷. در این مقاله به بررسی موارد خمس از دیدگاه فریقین پرداخته شده ولی به صورت کامل به تمام روایات و اسناد و دلالتشان پرداخته نشده است.

۴. احمدی میانجی علی، «خمس در کتاب و سنت»، نور علم، شماره ششم. در این تحقیق اگرچه به بررسی خمس پرداخته شده ولی به تمام روایات اولاً اشاره نشده ثانیاً به بررسی سندی روایات پرداخته نشده است.

روش تحقیق

شیوه و روش تحقیق در این پایان نامه مانند اکثر تحقیقات در علوم انسانی، توصیفی تحلیلی و ابزار آن کتابخانه می باشد. به این نحو که صدها عنوان کتاب فقهی و حقوقی و تفسیری موجود در کتابخانه ها و سی دی های جامع فقه اهل بیت (ع)، جامع التفاسیر منتشره از مرکز کامپیوتری نور و بعضی نرم افزارهای قرآنی مطالعه و بررسی شده است و مطالب براساس سلیقه و موازی با موضوع مربوطه فیش برداری شده است سپس متناسب با فهرست توافق شده استاد راهنما و استاد مشاور در دفعات متعدد، دسته بندی و مرتب و در مکان خود قرار گرفت و در این خصوص بیشتر از تألیفات فقها و مفسران شیعی و حقوقدانان استفاده شده است. مکان و منابعی که بیشتر در این راستا توجه و استفاده شده اند عبارت است از:

الف) کتابخانه های تخصصی فقه و اصول در شهر مقدس قم؛

ب) کتاب های موجود در کتابخانه شهر فریدون شهر؛

ج) نرم افزارهای موجود در مرکز کامپیوتری نور و مؤسسه فرهنگی ناب؛

د) سایت های اینترنتی شناخته شده حاوی پایان نامه ها، کتب، مقالات و مجلات؛

ه) منابع حقوقی در کتابخانه ها و سایت های اینترنتی شناخته شده.

فصل اول :

کلیات

فصل اول: کلیات

پیش در آمد

در تحقیق پیش‌رو، به بررسی سندی و دلالتی روایات موارد خمس از کتاب جامع الاحادیث شیعه با تأکید بر اختصاص خمس به حاکم اسلامی پرداخته می‌شود به همین دلیل در فصل اول به تعریف اصطلاحات پرکاربرد در ضمن دو بخش به شرح زیر به تبیین آن‌ها خواهیم پرداخت:

بخش اول: اصطلاحات فقهی؛

بخش دوم: اصطلاحات حدیثی؛

۱-۱. بخش اول: اصطلاحات فقهی

۱-۱-۱. خمس

خمس در لغت به معنای «یک‌پنجم» و جمع آن «اخماس» است^۱ و در اصطلاح شهید اول این‌گونه بیان می‌کند: «و هو حقّ یثبت فی الغنائم لبنی هاشم بالأصله عوضاً من الزکاه» (=خمس حقی در غنائم است که برای بنی‌هاشم به جای زکات بالاصاله ثابت است).^۲

صاحب مدارک الاحکام نیز خمس را به این معنا بیان می‌کند: «الخمس حق مالی ثبت لبنی هاشم بالأصل عوض الزکاه و هو ثابت بالکتاب و السنه و الاجماع» (=خمس حقی مالی است که بالاصاله به جای زکات از آن بنی‌هاشم است که با کتاب و سنت و اجماع ثابت شده است).^۳

۱. ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن مکرم [ابن منظور]، لسان العرب، سوم، (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق)، ج ۶، ص ۷۰.

۲. محمدبن مکی عاملی [شهید اول]، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، دوم، (قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق)، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳. محمدبن علی موسوی عاملی، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، اول، (بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۱۱ق)، ج ۵، ص ۳۵۹.

امام خمینی نیز در تحریر الوسیله این گونه تعریف می کند: «و هو الذی جعله الله تعالی لمحمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و ذریته کثر الله نسلهم المبارک عوضاً عن الزکاه الّتی هی من أوساخ أیدی الناس إکراماً لهم».

(=خمس آن است که خداوند متعال برای محمد(ص) و اهل بیتش، که خداوند زیاد کند نسلشان را، به جای زکاتی که از آلودگی دست مردم است برای اکرام ایشان قرار داد).^۱
تعاریف مذکور تفاوتی با هم ندارند و مقصود از قید (بالاصاله) در کلام شهید اول و صاحب مدارک طبق نظر فقها یعنی اینکه خمس بدون هیچ عارضی مانند فقر و... بالاصاله به ذی القربی تعلق دارد لذا چنین نیست که اگر امام فقیر نبود خمس به ایشان تعلق نگیرد.^۲
۱-۱-۲. انفال

در لغت جمع نفل (به فتح نون و فاء) به معنای غنیمت و هبه و عطیه است یا جمع نفل (به سکون فاء) به معنای زیاده است که در شرع، غنائم جنگی یا هر نوع مالی است که مالک خاصی ندارد.^۳

در اصطلاح فقها به نظر امام خمینی: «و هی ما یستحقه الامام علیه السلام علی وجه الخصوص لمنصب إمامته کماکان النبی (صلی الله علیه و آله) لرئاسته الإلهیه» (=انفال چیزهایی است که امام(ع) به خصوص به دلیل منصب امامتش، مستحق آن است همان طور که به دلیل ریاست الهی و امامتی که پیامبر(ص) داشت، انفال متعلق به او بود).
در ادامه موارد آن را بیان نموده اند که بعضی را در اینجا می آوریم:

۱. هر چیزی که با اسبان و سواران بر آن تاخته نشده است و از طریق جنگ با کفار به دست مسلمانان نیفتاده است زمین باشد یا غیر زمین، اهالی آن از آن کوچ کرده باشند یا آن را با میل و رغبت به مسلمانان تسلیم کرده باشند؛

۱. روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، اول، (قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا)، ج ۱، ص ۳۵۱.
۲. محمد صالح بن احمد بن شمس سروری مازندرانی، شرح الکافی، اول، (تهران: المکتبه الإسلامیه، ۱۳۸۲ق)، ج ۷، ص ۳۹۴؛ همچنین نک: کاشف الغطاء نجفی، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، (جعفرین خضر مالکی)، اول، (قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق)، ج ۴، ص ۱۴۲.
۳. ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم [ابن منظور]، ج ۱۱، ص ۶۷۱.

۲. «زمین مواتی» که استفاده نمی‌شود مگر اینکه آباد و اصلاح شود یا برای آنکه نی‌زار است یا برای اینکه آب از آن قطع شده است یا برای اینکه آب آن را فراگرفته یا برای غیر این‌ها، چه ملک دیگری واقع نشده باشد مانند صحراهای بی‌آب و علف و سوزان یا ملک کسی بوده است ولیکن مالک آن از بین رفته و الآن شناخته نشود. قریه‌ها و شهرهایی که اهل آن‌ها کوچ کرده‌اند سپس خراب شده است مانند بابل و کوفه و مانند این‌ها به زمین موات ملحق می‌شود، پس این شهرها زمین و آثار آن مانند سنگ‌ها و مثل آن‌ها از انفال است و زمین مواتی که در زمین مفتوح عنوه واقع شده بنابر اقوی مانند غیر آن جزء انفال است. ولی اگر معلوم باشد که در حال فتح مسلمانان، آباد بوده است و بعد از آن حالت موات بر آن عارض شده است پس در اینکه از انفال است یا بر ملک مسلمین باقی است، مانند زمینی که فعلاً آباد است، تردید و اشکال است که دومی آن‌ها خالی از رجحان نیست؛

۳. کناره‌های دریاها و نهرها، بلکه هر زمینی که صاحب نداشته باشد، البته اطلاق آن اشکال دارد، اگرچه خالی از قرب نیست و اگرچه موات نباشد، بلکه بدون زحمت و تکلف قابل استفاده باشد، مانند جزایری که در دجله و فرات و مانند آن‌ها بیرون می‌آید؛

۴. سر کوه‌ها و آنچه از گیاه و درخت‌ها و سنگ‌ها و مانندشان در آن‌ها است و عرصه وادی‌ها و «آجام» و آن زمین‌هایی است که به نی و درختان پوشانده شده است.

در این سه، بین آنکه در زمین امام(ع) یا در مفتوح عنوه یا در غیر این‌ها باشد فرقی نمی‌کند؛ البته آنچه ملک شخصی باشد سپس مثلاً نیزار شود بر آنچه بوده است باقی می‌ماند و ملک صاحبش است؛

۵. آنچه از مختصات شاهان بوده است از اموال غیرمنقول و منقول؛

۶. غنیمت ممتاز، مانند اسب سواری نجیب و لباس گران‌قیمت و شمشیر برنده و زره فاخر و مانند این‌ها؛

۷. غنیمت‌هایی که (جنگ در آن) با اذن امام(ع) نباشد؛

۸. ارث کسی که وارثی نداشته باشد.^۱

۱. روح‌الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ص ۳۷۱.

در لغت؛ به دست آمدن چیزی را بدون زحمت، غنیمت گویند.^۱
در اصطلاح؛ فقها بیشتر به احکام غنائم پرداخته‌اند و به تعریف آن تصریح نکرده‌اند به همین دلیل در اینجا به کلام امام خمینی، در توضیح المسائل، در تعریف غنیمت اکتفا کرده و در فصل دوم در ضمن بررسی دلالتی روایات بیشتر به آن می‌پردازیم.
امام خمینی در تعریف غنیمت می‌فرماید: اگر مسلمانان به امر امام (ع) با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، به آن‌ها غنیمت گفته می‌شود.^۲
۴-۱-۱. معدن

در لغت؛ مصباح المنیر می‌گوید: «(مَعْدِنٌ) كُلُّ شَيْءٍ حَيْثُ يَكُونُ أُصْلُهُ» (=معدن هر چیزی جایی است که اصل آن شیء در آن است).^۳
«نهایه» معدن را به این صورت تعریف می‌کند: «المواضع التي تستخرج منها جواهر الأرض كالذهب و الفضة و النحاس و غیر ذلك، واحدها مَعْدِنٌ».
(=معدن جاهایی را گویند که جواهر زمین مانند طلا و نقره و مس و غیره از آن‌ها استخراج می‌شود؛ مفرد معدن، معدن است).^۴
در اصطلاح؛ فقها معدن را تعریف نکرده‌اند بلکه چون این لغت دارای معنای واضحی است مصادیق آن را بیان کرده‌اند به همین دلیل صاحب جواهر در این باره به ذکر مصادیق آن پرداخته است و می‌فرماید: در وجوب خمس در طلا و نقره هیچ شکی نیست.^۵

۱. ابوالفضل جمال‌الدین محمدبن مکرم [ابن منظور]، ج ۱۲، ص ۴۴۶.

۲. روح‌الله موسوی خمینی، توضیح المسائل، اول، -، ۱۴۲۶ق، ص ۳۶۴.

۳. احمدبن محمد مقرئ فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، اول، (قم: منشورات دارالرضی، بی‌تا)، ج ۲، ص ۳۹۷.

۴. مبارک‌بن محمد جزری [ابن اثیر]، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، اول، (قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا)، ج ۳، ص ۱۹۲.

۵. محمدحسن نجفی [صاحب الجواهر]، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، هفتم، (بیروت: دارالإحياء التراث العربی، بی‌تا)، ج ۱۶، ص ۱۳.

همچنین امام خمینی درباره معدن نوشته‌اند که معیار در صدق آن، عرف است و بعد به ذکر مواردی از آن پرداخته‌اند.^۱

۱-۱-۵. کنز

در لغت؛ شمس العلوم می‌گوید: «کنزُ المال: جمعه و ادخاره» (=کنز به معنای جمع کردن و ذخیره کردن مال است).^۲

العین نیز چنین گفته شده است: «و الکنز: اسم للمال الذی یکنزه و لما یحرز به المال». (=کنز، اسم مالی است که ذخیره، مخفی، می‌شود و همچنین به چیزی که مال با آن نگهداری و پوشانده می‌شود نیز گفته می‌شود).^۳

در اصطلاح؛ صاحب جواهر کنز را به این طریق تعریف می‌کند: «الکنوز جمع الکنز المسمی فی جمله من عبارات الأصحاب منها التذکره و المنتهی بالرکاز من الرکز بمعنی الخفاء بلا خلاف فیهِ فی الخلاف و الحدائق و ظاهر الغنیه أو صریحها».

(=کنوز جمع کنز است که در کلام بعضی مانند صاحب تذکره و منتهی، رکاز به معنای خفاء نامیده شده است و این مطلب در کتاب خلاف و حدایق و ظاهر غنیه یا صریح آن بدون مخالف قلمداد شده است).^۴

شیخ انصاری نیز بعد از بیان اینکه قصد ذخیره کردن برای صدق گنج لازم نیست می‌نویسد: «الإنصاف انصراف الرکاز و الکنز إلى المدفون فی الأرض» (=انصاف این است که رکاز و کنز به معنای مالی است که در زمین دفن شده است).^۵

۱. روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ص ۳۵۲.

۲. نشوان بن سعید حمیری، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، اول، (بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق)، ج ۹، ص ۵۹۱۳.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، دوم، (قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق)، ج ۵، ص ۳۲۲.

۴. محمدحسن نجفی [صاحب الجواهر]، ص ۲۴.

۵. مرتضی بن محمد امین انصاری دزفولی، کتاب الخمس، اول، (قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق)، ص ۴۰.